



دفاع علامه بلاغی از تحریف‌ناپذیری قرآن با رد قرائات هفت‌گانه

علامه بلاغی که از علمای تراز اول شیعه است، در مورد قرائت‌های قرآن نظر عالمانه‌ای دارند که به صیانت قرآن از تحریف نیز کمک می‌کند؛ ایشان به همان مناط که قرآن را مصون از تحریف می‌دانند، قرائت‌های مختلف را هم تجویز نمی‌کنند.

علامه بلاغی که از علمای تراز اول شیعه است، در مورد قرائت‌های قرآن نظر عالمانه‌ای دارند که به صیانت قرآن از تحریف نیز کمک می‌کند؛ ایشان به همان مناط که قرآن را مصون از تحریف می‌دانند، قرائت‌های مختلف را هم تجویز نمی‌کنند. به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین فرج‌الله میرعرب، عضو هیئت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در یادداشتی به بررسی نظر علامه بلاغی در مورد تحریف‌ناپذیری قرآن با توجه به قرائات هفت‌گانه پرداخته است که متن کامل آن از نظر خوانندگان می‌گذرد.

علامه بلاغی که از علمای تراز اول شیعه است، در مورد قرائت‌های قرآن نظر عالمانه‌ای دارند که به صیانت قرآن از تحریف نیز کمک می‌کند. ایشان در واقع به همان مناط که قرآن را مصون از تحریف می‌دانند، قرائت‌های مختلف قراء هفت‌گانه یا ده‌گانه را هم تجویز نمی‌کنند.[1]

نظر ایشان این است که قرائت فقط بر اساس رسم الخط قرآنی موجود جایز است و آنچه که مخالف این رسم است، اگر چه جزماً باطل نیست ولی جای شبهه و اشکال دارد، و ترک متیقن و اخذ به مشکوک و امر قابل تردید، جایز نیست.

ایشان نظر خود را کاملاً واضح بیان کرده است: «به دلیل تواتر قرآن کریم بین عموم مسلمانان نسلی بعد نسلی، مادّه و صورت و قرائت متداول آن بر نحو واحد استمرار یافته است. به همین جهت هیچ چیز از اختلافاتی که از قراء هفت‌گانه معرف و غیر آنان، نقل شده بر ماده و صورت آن تأثیر نگذاشته، و بر صورت آن قرائت هیچ یک از آنان، به جهت پیروی از او، سیطره پیدا نکرده، و لو در بعض ثسخ قرآن، و بر قرآن هیچ روایت مخالفی در قرائت با همه قرائات مخالفی که وجود دارد سیطره پیدا نکرده و جا نیفتاده؛ آنچه که روایتش در کتب منتشر شده؛ مانند: جامع بخاری و مستدرک حاکم مسند به پیامبر (ص)، و علی(ع)، و ابن عباس، و عمر، و ابی، و ابن مسعود، و ابن عمر، و عائشه، و ابی الدرداء، و ابن الزبیر، (که در صورت تمایل می‌توانید) به جزء اول کتوز العمال[2] مراجعه کنید.»[3]

نتیجه این است که قرآن موجود از هر نظر مصون از دستبرد بوده و حتی از نظر رسم الخط تغییری در آن واقع نشده است. در ادامه علامه افزوده که گفته شده از مصحف عثمان در رسم الخط بعض کلمات پیروی شده؛ مانند: اضافه شدن "الف" بین "شین" و "یاء" در: (لشایء) [4] از سوره کهف، و در: (لأذبحته) [5] در سوره نمل، و مانند آن در تعداد کمی از کلمات [6]. و تصریح می‌کنند که این ادعا هم یک (قیل) است و سند محکمی ندارد و سخن مستند به یک (قیل) در چنین مورد مهمی به هیچ وجه قابل قبول نیست. قرآن دشمنان زیادی دارد که هر نوع ادعایی را ممکن است به هر نحوی که بتوانند مطرح کنند! علامه بلاغی حساسیت فوق‌العاده‌ای در مورد صیانت قرآن از هر گونه دستبرد دارند و لذا تلاش عالمانه‌ای می‌کنند تا اساس قاریان هفت‌گانه و قرائت‌های آنها را سست کند. در حالی که بسیاری از فقها، تلاوت بر اساس قرائت‌های مختلف را مجاز می‌شمارند.

البته اندیشه او برهانی و محکم و بر اساس موازین است و یک تعصب کور نیست. از این رو علامه بلاغی در مورد قرائت‌های هفت‌گانه می‌فرماید: «قرائت‌های هفت‌گانه، چه رسد به ده‌گانه، فقط در صورت بعضی از کلمات متفاوتند، نه کلمه‌ای زیاد کرده‌اند و نه کلمه‌ای کم، و در عین حال جز روایات آحادی از افراد آحادی نیستند، و موجب اطمینان و وثوق نمی‌شوند، چه رسد به این که بخواهند با تعارض، و مخالفت با رسم متداول و متواتر بین عموم مسلمانان در سال‌های طولانی، در مورد قرآن وهنی ایجاد کنند (و شبهه‌ای به وجود آورند).

و از طرف دیگر هر یک از قاریان یک نفر است و عدالت و وثاقتش ثابت نشده، از آحاد روایت می‌کند، حال غالب آنها مثل حال خود اوست، و از او نیز آحادی مثل او نقل می‌کنند، و در موارد زیادی در روایت از آن قاری (این روات) اختلاف دارند، چه بسیار حفص و شعبه در روایت از عاصم اختلاف دارند، و همچنین قالون و ورش در روایت از نافع، و.... علاوه بر آن، اسناد این قرائات آحاد در مصطلح خود اهل سنت هم به صحت توصیف نشده‌اند، چه رسد به امامیه ... پس چه بسیار تعجب است از کسی که این قرائت‌ها را متواتر خوانده است! [7]

این از یک طرف، و از طرف دیگر، قرائت هر یک از این قراء در غالب موارد با قرائت مرسوم بین مسلمانان همخوان هستند و گاهی قرائت عاصم متفاوت از مشهور است آنهم بنابر روایت شعبه. بنابراین روا نیست که این قرائت با قرائت و رسم متداول همسان باشد و در خصوصیات معادل آنچه که مورد توجه نسل‌های مسلمانان بوده قرار گیرد.

علاوه بر این، ما شیعیان موظفیم که قرائت کنیم، چنانکه مردم قرائت می‌کنند [8]؛ یعنی نوع مسلمانان و عموم آنها [9].

علامه در اینجا به نکته‌ای در قالب یک سؤال اشاره می‌کنند و آن این است که: قرائت‌ها ناشی از گستره زبان عربی است. مثلاً "علیهم" و "الیهم" به کسر "هـ" و ضمّ آن و یا "تظاهرون"، که به فتح "ظاء" و تشدید آن قابل قرائت است. با این موضوع چه می‌کنید؟

پاسخ علامه با نگاه به موضوع صیانت قرآن از هر تغییر و دگرگونی و حفظ آن به همان کیفیت نزول و املای پیامبر(ص) است. از سخن علامه پیداست که یک اصل اساسی در نظر ایشان اهمیت ویژه داشته و آن این که: تمام راه‌های نفوذ تغییر در قرآن به هر نحوی که باشد، غیر قابل قبول است و قرآن کتابی است که از روز اول تا به امروز از هر نظر ثابت بوده است. در دلیل محققانه ایشان دقت کنید:

«(این حرف که زدی درست) و لکن چگونه بر تو مخفی مانده که در تلاوت قرآن و قرائت آن و تحقق و اثبات آن، لازم است که پیرو آنچه که بر رسول الله(ص) وحی شده است و آنچه که در مخاطبه با آن حضرت نازل شده، باشیم و آن یکی بیش نیست، (و یک شکل و رسم بیشتر نداشته است). پس، بر شما لازم است، همانطور آن را بپذیرید که قابل اثبات (قطعی) است و قرائت قرآن درس معاجم لغت نیست (که همه‌ی احتمالات در آن مطرح شوند و بر طبق احتمالات معنا شود)» [10].

با این سخن علامه بلاغی به بزرگانی نظیر: شیخ الطائفه مرحوم طوسی و علامه طبرسی رحمه الله و دیگران، که گاه قرائت‌های غیر مشهور را مطرح و مورد توجه قرار داده و معنای آیه بر اساس آن احتمال را نیز بیان کرده‌اند، اشکال کرده و نظر آنها را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

یعنی تا چیزی ثابت نشده که قرآن است ما حق نداریم اساساً آن را مطرح کنیم؛ زیرا باعث ایجاد شبهه در قرآن است. یک اشکال بر علامه بلاغی این است که مگر در روایت نیامده که قرآن به هفت حرف نازل شده است: (أَنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ)؟

جواب داده: «این تشبثی سست است؛ زیرا: اولاً: در اتقان (سیوطی) ... گفته که در معنی (سبعة أحرف) تا 40 نظر اختلاف شده است [11]... و این نیست مگر به دلیل سستی روایت و اضطرابی آن از نظر لفظ و معنا. و در همان اتقان در اواخر نوع 16 آمده: و بسیاری از عوام گمان کرده‌اند که مراد از آن قرائات سبع است، و این نظر جهل زشت و قبیحی است» [12].

(و در ثانیاً: روایتی از حاکم از پیامبر(ص) نقل می‌کند که حضرت (سبعة أحرف) را بر اساس محتوای قرآن معنا فرموده که یعنی در قرآن: زجر، امر، حلال، حرام، محکم، متشابه و امثال وجود دارد. و در روایتی مشابه از ابی قلابه "سبعة" آمر، زاجر، ترغیب، ترهیب، وجدل، قصص، و مثل، معنا شده است. [13]

و از سجزی از علیّ علیه السلام: (أُنْزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى عَشْرَةِ أَحْرَفٍ: بشیر و نذیر، و ناسخ و منسوخ، و عیطة و مثل، و محکم و متشابه، و حلال و حرام) [14].

و روایات دیگر در همین راستا و با مضامینی مشابه که در هیچکدام به قرائات هفتگانه معنا نشده است. [15]

نکته سوم ایشان این است که: در روایات (سبعة أحرف) با اسناد خوبی در مصطلح آنها (حدیث‌شناسان اهل سنت) چیزهایی آمده که سستی و چیزی شبیه خرافه بودن را به شما نشان می‌دهد: در روایت احمد از حدیث ابی بکره آمده: پیامبر (ص) از جبرئیل درخواست افزایش در (أحرف) قرائت کرد تا به هفت حرف رسید. جبرئیل گفت: (كلها شافٍ كافٍ، ما لم تختتم آية عذاب برحمة، و آية رحمة بعذاب) [16]. و در حدیث دیگر تعبیر دیگری نظیر: (تعال، و أقبل، و هلم، و اذهب، و أسرع، و عجل) [17]، زیاد شده است. و از ابی از رسول خدا (ص): (... وإن قلت: سمیعا علیما عزیزا حکیما، ما لم تختتم آية عذاب برحمة، أو آية رحمة بعذاب) [18].

علامه روایات متعددی با همین مضمون نقل می‌کنند که به فرمایش ایشان بیشتر شبیه مزاح هستند تا حدیث نبوی. اگر این روایات را بپذیریم دیگر قرآنی باقی نمی‌ماند.

چهارمین دلیل علامه در رد حمل روایات (سبعة أحرف) بر قرائات سبع این است که در روایات مطلبی هست که سند قرائات سبع را قطع می‌کند:

ابن انباری در "المصاحف" مسندا از ابی عبد الرحمن سلمی نقل می‌کند که او گفته: قرائت أبوبکر و عمر و عثمان و زید بن ثابت و مهاجرین و انصار یکی بوده (و همه یک نحو قرائت می‌کرده‌اند. پس هفت قرائت از کجا آمده است. مگر بعدی‌ها می‌توانند برای قرآن قرائت بسازند. یعنی قرائت‌های هفتگانه ریشه در صدر اسلام ندارند.

دلیل پنجم علامه در ابطال جواز قبول قرائات، روایتی است که از فصل الخطاب میرزای نوری (قدس سره) آورده، که گوشه‌ای هم به خود میرزا دارد که شما با وجود نقل چنین روایتی چگونه قائل به تحریف شدی و سخن از قرائات سبع گفتی و آن روایت این است: عن أبي جعفر الباقر(ع) «أَنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ، نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، وَلَكِنْ الْاِخْتِلَافُ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرِّوَاةِ» [19] قرآن یکی است از نزد یگانه نازل شده و لکن اختلاف از جانب روات وارد شده است. و صدوق مانند همین روایت را به طور مرسله از امام صادق(ع) نقل کرده است [20]. و همچنین در کافی حدیث صحیح از فضیل بن یسار آمده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: مردم می‌گویند: قرآن بر سبعة أحرف نازل شده است؟ حضرت فرمود: «كذبوا، ولكنه نزل على حرف واحد، من عند الواحد» [21] دروغ گفته‌اند و بلکه قرآن بر حرف واحد و از جانب واحد نازل شده است. و در پایان، مؤید دیگری از امام باقر و الصادق(ع) نقل می‌کنند. [22]

پی‌نوشت‌ها:

[1] - الموسوعة، ج8، محمد جواد البلاغی، عصره، حیاته، مختارات من ترجمته، ص183 - 191.

[2] . كنز العمال ج2، ص591 و 610، ح 4802 - 4879.

[3] - موسوعة آثار علامه بلاغی، ج1، آلاء الرحمن، ج1، ص 69.

- [4] . كهف (18) / 23.
- [5] . النمل (27) / 21.
- [6] . الإتيقان في علوم القرآن ج2، ص333.
- [7] - نك: الإتيقان في علوم القرآن ج1، ص160 .
- [8] - كافي ج1، ص91 ، باب النسبة ، ح 4 .
- [9] - موسوعه آثار علامه بلاغي، ج1، آلاء الرحمن، ج1، صص 70 - 72.
- [10] - موسوعه آثار علامه بلاغي، ج1، آلاء الرحمن، ج1، صص 72 - 73.
- [11] . الإتيقان في علوم القرآن، ج1 ص92 .
- [12] - همان، ص100 .
- [13] - تفسير طبري، مقدمه، ج1، ص53 ، ح68 .
- [14] . كنز العمال، ج2، ص16 ح2956 .
- [15] . همان، ص75، ح72 ؛ كنز العمال ج2، ص55 ، ح3097 .
- [16] . مسند أحمد 7 : 316 / 20447 .
- [17] . همان، ص334، ح20537 .
- [18] . سنن أبي داود، ج2، ص76، ح1477 .
- [19] . الكافي، ج2، ص630 ، باب النوادر ، ح 12 .
- [20] . اعتقادات الصدوق : 86 .
- [21] . الكافي 2 : 630 ، باب النوادر ، ح 13 .
- [22] . موسوعه آثار علامه بلاغي، ج 1، آلاء الرحمن، ج1، صص 69-75.